

بررسی تغییر ساختار سیاسی عراق از متمرکز به فدرالیسم و اثرات آن بر امنیت ملی ایران

عزت‌الله عزتی

دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

سهیلا نانوا

دانش آموخته‌ی دوره‌ی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (مسئول مکاتبات)

soheyla.nanva@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۲۳

چکیده:

تلاش برای واقعیات تاریخی و وقایع رخ داده شده، در یک کشور و در یک دوره‌ی معین نیازمند شناخت محتوا و کیفیت ساختار سیاسی - اداری و ترسیم خطوط فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی در آن جامعه می‌باشد و در جهان سیاسی نو و در محیط ژئوپلیتیک دگرگون شده‌ی جهانی که همراه با گسترش سریع اطلاع رسانی و ارتباطات و همگام با جهانی شدن نظام اقتصادی و فزونی یافتن گروه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی و سرعت بخشیدن به آرمان‌های میهن‌گرایی و استقلال‌خواهی است فدرالیسم می‌تواند گامی موثر در جهت جلوگیری از تجزیه سرزمینی گردد. حال سوال اصلی این است که آیا تغییر در ساختار سیاسی عراق از سانترالیزم (متمرکز) به فدرالیسم برای امنیت ملی ایران یک فرصت است یا تهدید؟ فرضیه مقاله عبارت از اینک: به نظر می‌رسد که ایران با در نظر گرفتن منافع ملی و با اتخاذ استراتژی کارآمد خواهد توانست تهدیدات را به فرصت‌ها تبدیل نماید.

واژه‌های کلیدی: فدرالیسم - سانترالیزم، امنیت، ژئوپلیتیک

مقدمه

جهان در حال گذر از زمان همیشه مواجه با موقعیت‌های متفاوتی بوده است و چندگانگی نقشه‌ی سیاسی جهان را تکمیل می‌کند که در آن منافع و اولویت‌ها تعریف خاص خود را دارند و هر یک از بازیگران همچون مهری شطرنج جایگاه و توانایی منحصر به فردی دارند. خاورمیانه با شاخص‌هایی نظیر: بازیگران تعارض‌آمیز، منابع گسترده‌ی اقتصادی و استراتژیک سال‌های آغازین هزاره‌ی سوم را با رویدادی مهم آغاز کرده اندکی پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر کاخ سفید به افغانستان حمله کرد و سپس در ۲۰ مارس ۲۰۰۲ واشنگتن به عراق حمله برد چرا که بر این باور بود که عراق تهدیدی برای صلح جهانی است. تحولات عمیق ژئوپلیتیکی در عراق تأثیرات گسترده‌ای بر این

کشور، منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل بر جای گذاشته است. ایالات متحده تلاش دارد عراق جدید را به عنوان الگوی مناسب در راستای دمکراتیک سازی کل منطقه خلیج فارس و خاورمیانه معرفی نماید. لذا تشکیل دولت و نوع تقسیم قدرت در عراق براساس نظام فدرالیستی و تحولات ناشی از آن مستقیماً بر همسایگان عراق از جمله ایران با توجه به درهم تنیدگی جغرافیایی و اشتراکات تاریخی، زبانی، فرهنگی از موضوعات بسیار حائز اهمیت است.

خلاءهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک سابقه‌ی لرزان بودن خطوط مرزی ایران و عراق از دوره‌ی استیلای عثمانی بر این منطقه آغاز شده است. اما شرایط و رویکردهای نوین جهانی «نقشه‌ی جهانی» تازه‌ای را برای پایدار نمودن صلح و کاهش منازعات و تهدیدات به پایین‌ترین سطح ممکن ترسیم می‌کند و توصیه‌ی ژئوپلیتیک نوین به سیاست خارجی کشورها آن است که ضمن درک محدودیت‌ها و امکانات، پیگیری منافع و امنیت آنها جز در حالتی از همکاری تأمین نخواهد شد و کشورها با شناخت جایگاه جدید و بازیگران بین‌الملل و توجه به قواعدبازی و درک همسویی استراتژیک و تاکتیکی، الگوی تعامل و رقابت که مبتنی بر دیپلماسی دینامیک است در راستای منافع ملی خود قرار دهند.

بنابراین دیپلماسی ایران در جهت حفظ و تأمین امنیت ملی، ضمن ایجاد روابط با عراق جدید براساس حس اعتماد و همگرایی، با حضور در بازارهای اقتصادی، تشکیل بازارچه‌های مرزی، تأسیس مناطق آزاد تجاری، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، تمرکززدایی و محرومیت زدایی، در مناطق مرزی و همجوار با عراق نوین، فضا را به سوی همکاری منطقه‌ای پیش خواهد برد نه تخاصم و درگیری.

روش تحقیق:

جهت دستیابی به اهداف مورد نظر در این پژوهش، از روش توصیفی - تحلیلی - بهره‌گرفته شده است. مطالب مقاله بر گرفته شده از: کتاب‌ها، مقالات، سخنرانی‌ها، نشریات ارزشمند و معتبر، منابع اینترنتی و نیز اظهار نظر صاحب‌نظران در حوزه امنیت ملی می‌باشد که مورد نقد و بررسی و سپس تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است.

نگاهی به سیر تحولات تاریخی عراق:

عراق در لغت به معنای: کنار نهر یا دریا می‌باشد. عراق به دلیل برخورداری از عوامل ثابت و متغییر مهم ژئوپلیتیکی و موقعیت جغرافیایی واقع در شمال خلیج فارس - مورد توجه قدرت‌های محلی و بین‌المللی قرار داشته است و در عصر امپراطوری عثمانی از سه ولایت موصل - بغداد - بصره که هرکدام بطور مستقل عمل می‌کردند و به شکل فدرالیسم اداره می‌شد تشکیل شده بود و به لحاظ امکان ارتباط با خلیج فارس و همسایگی با اردن و ارتباط با دریای سرخ می‌توانست راه زمینی مناسب برای انگلستان در دسترسی به هند فراهم آورد. (فصلنامه نهضت ۱۳۸۰ - ص ۸).

شکل‌گیری عراق در پی قرارداد "سایکس - پیکو" در سال ۱۹۱۶ بین وزرای خارجه انگلستان و فرانسه بوجود آمد. که پس از تجزیه عثمانی در سال‌های ۱۹۲۱ تحت قیومیت بریتانیا در آمد و در ۱۹۳۲ استقلال یافت.

با افول قدرت انگلستان و پایان جنگ دوم جهانی از موقعیت ژنواستراتژیک عراق کاسته نشد و تا اردیبهشت ۱۳۳۷ که کودتای نظامی در عراق صورت گرفت جزء ژنواستراتژی غرب بود و پس از آن در قلمرو ژنواستراتژیک قدرت بری یعنی اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفت. در دوران جنگ سرد شوروی از وحدت و یکپارچگی عراق حمایت می‌کرد و این موضوع به ابزاری در دست حکومت مرکزی برای سرکوب حرکت‌های جدایی طلبانه کردها و شیعیان تبدیل شد.

باروی کارآمدن صدام ۱۹۷۸ و تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای و ایفای نقش رهبری جهان عرب که متأثر از انزوای مصر پس از امضای قرارداد "کمپ دیوید" بود زمینه برای برهم خوردن تعادل نظام منطقه‌ای را فراهم آورد.

با فروپاشی نظام دو قطبی موقعیت ژنواستراتژیک این کشور مورد توجه غرب و امریکا قرار گرفت که بصورت بالقوه توانایی تضمین امنیت صدور نفت و تأثیرگذاری بر روند صلح اعراب و اسرائیل، مهار جمهوری اسلامی ایران و نقش‌آفرینی در شمال عراق و منطقه‌ی کردستان براری کنترل تحولات و تأثیرگذاری بر کشورهای که دارای مناطق کردنشین هستند را دارا می‌باشد (<http://www.haw2ah.net>).

خروج شیعیان و اکراد پس از ۸۰ سال انزوای سیاسی، تحولات ژئوپلیتیکی جدیدی را در عراق رقم زد که علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن عراق و خاورمیانه، روابط راهبردی قدرت‌های بزرگ را نیز متأثر و موجب واکنش‌هایی از سوی برخی کشورهای منطقه (اردن - عربستان - ایران) گردیده است. در هر صورت دولت جدید عراق به نظامی فدرالیسم گونه تغییر ساختار داده است که اثرات آن بر امنیت ملی ایران و اتخاذ سیاست خارجی ایران در این راستا حائز اهمیت است.

توزیع جغرافیایی موزائیک قومی در عراق:

در بیشتر کشورهای جمعیت آن‌ها از قومیت‌های گوناگون تشکیل شده است تسلط یک قوم و فرهنگ و زبان آن امری بدیهی به شمار می‌آید. در چنین صورتی می‌توان حدس زد که این تسلط بر اثر امحاء، سرکوب یا تصفیه اقوام دیگر حاصل شده است (عزتی ۱۳۸۸-ص ۷۵). شناخت تعارضات و شکاف‌های اجتماعی در سطح عراق گام اول در جامعه شناسی سیاسی این کشور است.

شکاف‌های اجتماعی عراق می‌توان به دو قسم مذهب محور (سنی - شیعه) و قوم محور (عرب - کرد) تقسیم کرد. که ۵۵ تا ۶۰٪ را اعراب شیعه، ۲۵ درصد را اعراب سنی و ۱۵ الی ۲۰ درصد را اکراد تشکیل می‌دهد (رمضانی ۱۳۸۴؛ ص ۲۶۴) تعداد مسیحیان در عراق تا قبل از جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ یک میلیون نفر و در حال حاضر حدود ۶۵۰ هزار نفر برآورد شده است.

پان عربیسم و گسترش آن پس از فروپاشی عثمانی به دلیل پیوستگی با جمعیت عرب‌های سنی غالب در خاورمیانه منجر به تداوم حاکمیت گروه عرب سنی عراق بوده است. این اقلیت مذهبی در دولت عثمانی وظیفه‌شان ایجاد ثبات در ایالت‌های کردنشین موصل و شیعه‌نشین بصره و نیز مقابله با نفوذ نیروهای ایرانی که در تقویت عناصر ناراضی ساکنان این دو ایالت علیه حاکمان بغداد در دولت عثمانی نقش اساسی را برعهده داشتند و اینان از مزایای رفاه بیشتر، تشکل اجتماعی قوی‌تر برخوردار بودند.

مشکل عمده در حیات مردم عراق، تشکل‌های عراقی است که قبل از آن که ماهیتی کاملاً سیاسی داشته باشند در لایه‌های قومی و مذهبی خود را پیچانده‌اند شیعیان و کردها در لباس مذهب و قومیت ظاهر شده‌اند که این حالت معلول سرکوب‌های مذهبی - قومی می‌باشد.

کردها عموماً در مناطق بلندشمالی و دره‌های مجاور در استان‌های سلیمانیه - اربیل دهوک - کرکوک (تامیم) زندگی می‌کنند و همبستگی کردها قبیله‌ای می‌باشد با حفظ پیوندهای سنتی، شیعیان که تحت عنوان " فعیلی" در اطراف خانقین ساکن هستند.

همین مساله قوم محوری برای هر یک از گروهها می‌تواند مانعی جدی در سو راه یک تفاهم ملی باشد. چرا که بین دولت قومی که مبنای قبیله‌ای دارد با دولت مدرن که مبنای مدنی دارد و به مقتضای تأمین تخصیص امنیت ایجاد می‌شود تمایز اساسی وجود دارد. لذا جهت پرکردن شکاف در عراق اقدام به تدوین قانون اساسی در قالب فدرالیسم گردیده تا گروههای عراقی را متقاعد به همگرایی و زندگی مشترک نماید (کرمانی - خبرگزاری فارس ۱۳۸۶).

فدرالیسم و اشکال آن:

واژه فدرال از Fedra گرفته شده به معنای اعتماد کردن است. فدرالیسم تفکری است در قبال «دیگران» و جامعه و شکلی است از اشکال مختلف سازماندهی اجتماعی (Dusan, Sidijanski Y 1994, 72) اگر چه اتحادیه شهرهای یونان اولین تجربه شناخته شده درباره فدرالیسم است، این واژه در فرهنگ سیاسی یونان قدیم وجود نداشته است. اولین تئورسین فدرالیسم را در سده‌ی شانزدهم میلادی به «یوهانس آلتوزیوس» می‌دانند که به نظر او «قانون اساسی باید برپایه‌ی خود مختاری و آزادی عمل گروهها و نیز مشارکت آنان در تشکیل یک مجموعه‌ی بزرگ تدوین گردد.» این گروهها، از خانواده گرفته تا اتحادیه صنفی صاحبان مشاغل مختلف و نیز شهرها، استان‌ها و دولت‌ها، با مشارکت خود یک امپراطوری بزرگ را تحقق می‌بخشند. هر فدراسیونی براساس قانون اساسی حاوی سازوکارهایی است که عبارتند از: اصل تفکیک اصل خود مختاری و اصل مشارکت (G. scelle: p23). که در هر یک از این اصول وظایف و عملکرد دولت مرکزی و دولت محلی مشخص شده است. به طوری که در این گونه نظام حکومتی دو گرایش متضاد با هم آشتی داده می‌شود: اول علاقه به خود مختاری و دوم: کشش به سوی تشکیل یک جامعه‌ی کل که همه جماعات عضو را در برگیرد. استاد الهه کولایی می‌گوید: در وسعت جغرافیا، بدست آوردن منافع اقتصادی تنوع فرهنگی - نژادی - قومی، مذهبی و زبانی، ترس از یک دشمن مشترک، ضرورت اتحاد و مقابله با آن، عوامل اساسی تشکیل فدرالیسم می‌باشند.

در واقع فدرالیسم راه حلی است برای مسئله حکومت و یک دولت بر اجتماعات گوناگون، با در نظر گرفتن ملاحظات تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی هرکشور، فدرالیسم آن یگانگی و وحدتی را که اقتضای دولت‌های وحدت گرا است به کنار می‌نهد به همین جهت فدرالیسم حاوی واقعیت‌های متفاوتی است لذا هیچ دو کشور فدرال همانند وجود ندارد (محمد رضا خوبروی پاک-۱۳۷۷- ص ۲۳).

فدرالیسم و قانون اساسی عراق:

تحولات جدید در ساخت قدرت و سیاست عراق نقطه عطفی در شکل‌گیری ژئوپلیتیک قومی و تقویت مواضع هویت‌های مختلف قومی - سیاسی منطقه و تلاش آن‌ها در جهت تعریف جدید و مستقل از نقش و جایگاه خود در قدرت و حکومت منطقه و لو در چارچوب مرزهای ملی و سرزمینی کشورهای منطقه می‌باشد.

قانون اساسی عراق متشکل از ۵ فصل و ۱۵۲ اصل می‌باشد:

اصل اول می‌گوید: عراق کشوری با حاکمیت مستقل که نظام حکومتی آن جمهوری پارلمانی - دموکراتیک و فدرال می‌باشد (قانون اساسی عراق ۱۳۸۴).

بنابراین اصل ۱۱۷: مقامات مناطق می‌توانند در اجرای قوانین فدرال در هر منطقه اصلاحاتی را ایجاد کنند. حکومت هر منطقه هرآنچه را که برای اداره منطقه لازم باشد به ویژه تشکیل نیروهای امنیت داخلی مثل پلیس و اطلاعات و گارد منطقه را ایجاد کند.

شکاف‌های متراکم و متداخل قومی و مذهبی در عراق که هر یک در منطقه‌ی خاص از عراق ساکن هستند و تصویری قومی از ساخت جدید قدرت در عراق دارند. به طوری که کردها حامی سرسخت ایجاد نظام فدرالی هستند و شیعیان حمایت محکمی از سیستم فدرالی به عمل آورده‌اند و آن را یکی از ابزارهای اولیه نیل به توزیع عادلانه ثروت در عراق می‌دانند و از این‌طریق از حاکمیت مجدد دیکتاتوری جلوگیری شود.

از دهه ۱۹۹۰ سیاست نظام بین‌المللی در جهت مقابله با رژیم بعثی با تعیین محور ممنوعیت پرواز بالای ۳۶ درجه و پایین ۳۳ درجه در شمال و جنوب عراق عملاً این کشور را به ۳ ایالت تقسیم کرد و زمینه‌های گسترش اندیشه‌های ایجاد هویت مستقل در سرزمین‌های خود را فراهم کرد.

از زمان ملا مصطفی روحیه‌ی فدرال خواهی در کردهای عراق ایجاد شد. در ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۶ ملا مصطفی از اعراب خواست تا با همکاری یکدیگر زندگی مشترکی را در کشور فدرال عراق آغاز کنند این پیام با شعار «زنده باد اعراب و کردهای برادر مزین شده بود (سیف‌زاده-۱۳۷۹-ص ۷۹۰).

کردها که در عراق سه دوره‌ی منازعه با دولت مرکزی را در فاصله سالهای ۱۹۲۵-۱۹۷۵ و ۱۹۱۵-۱۹۲۵ و ۱۹۸۰-۱۹۹۱ تجربه نموده‌اند. پس از سقوط صدام با همکاری امریکا به صورت فعال در روند دولت‌سازی شرکت نمودند و خودمختاری مناطق کردنشین شمال عراق را در چارچوب قانون اساسی جدید تصویب کردند امروزه کردها یکی از عوامل مهم ژئوپلیتیکی در عراق هستند و بخشی از حاکمیت عراق محسوب می‌شوند و از سویی حضور و حمایت مستقیم امریکا در کردستان عراق طی دوازده سال پس از جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ تا سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ بسترهای لازم برای بازایی قدرت توسط کردها را فراهم آورد. و این حمایت‌ها در ارتقاء اهمیت ژئوپلیتیکی کردستان بسیار مهم است (برزگر ۷۷:۱۳۸۵).

بنابراین تحولات جدید در عراق نقطه عطفی در شکل‌گیری تهدیدات جدید با ماهیت متفاوت امنیتی و سیاسی است. و با تغییر در ساخت قدرت و سیاست عراق و خروج این کشور از نظامی‌گری و افراطی‌گری به شکل سنتی و تأثیرات آن بر منطقه چون تجدید حیات سیاسی و بیداری ملت‌ها (به خصوص مذهب شیعه) و افزایش تقاضا برای خودمختاری بیشتر در میان هویت‌های فرهنگی و سیاسی همراه بوده است. و براین مبنا فدرالیسمی که مبتنی بر

شکاف‌های قومی و مذهبی باشد منجر به جنگ داخلی و فتنه خواهد شد اما فدرالیسم مبتنی بر اساس تقسیمات جغرافیایی- طبیعی و اقلیمی و تمرکززدایی جغرافیایی چنین نخواهد بود زیرا حدود مرزی قومیتی و نژادی بسیار نفوذناپذیرتر از مرزبندی‌های جغرافیایی-اقلیمی است. از سویی فدرالیسم باید ارضاء کننده‌ی حس استقلال طلبی گروه‌های قومی و مذهبی را تعدیل کند و در این راستا باید فرهنگ، مدارای سیاسی، فرهنگ کثرت‌گرایی که پروسه‌ای بلند مدت است تحقق یابد و دولت مرکزی باید از قدرت کافی و منابع مالی - نظامی و امنیتی کافی برخوردار باشد که چنانچه یکی از لایه‌های قومی- مذهبی به تمایلات گریز از مرکز گرایش یافت بتواند اوضاع را کنترل. مانع از تجزیه سرزمینی گردد.

تشکیل دولت و نوع تقسیم قدرت در عراق و تأثیر بر متغیرهای امنیتی - سیاسی - اقتصادی عراق بر همسایگان، به رسمیت شناختن سیستم حکومتی فدرالیسم در منطقه کردستان عراق بر اساس ماده ۱۱۴ قانون اساسی از چالش‌های بالقوه‌ای می‌باشد که می‌تواند منافع ملی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. لذا بررسی راهکارها و اتخاذ کدهای ژئوپلیتیکی مناسب در راستای تأمین امنیت ملی ایران از موضوعات مهم در این مقوله می‌باشد که به آن خواهیم پرداخت.

اثرات فدرالیسم عراق بر امنیت ملی ایران

امنیت ملی در واقع حفظ دولت - ملت در قبال تهدیدهای بالقوه و بالفعل خارجی است و گاه به توان یک ملت برای حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدهای خارجی تعبیر شده است (Encycloped. Disills.David-1968:56). امنیت ملی و امنیت داخلی در گروه مقوله تهدید است، تهدید را می‌توان توانایی‌ها و نیت و اقدامات دشمنان بالقوه و بالفعل جهت ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علایق و مقاصد امنیت ملی یا مداخله به نحوی که نیل به این علایق و مقاصد به خطر افتد، محسوب نمود (کالینز-۱۳۷۰:۱۴).

شکاف‌های توسعه‌ای، گسل‌های فرهنگی- قومی- زبانی- مذهبی و انزوای جغرافیایی و ارتباطی که در ایران به صورت کم نظیری بر یکدیگر انطباق یافته‌اند زمینه‌ی پایداری برای تکوین ناآرامی و بحران را مهیا می‌سازد (کریمی‌پور، ص ۱۳۸۸، ۱۸۰) به طوری که در گستره‌ی سرزمین ایران دست کم ۴۰ گروه‌زبانی-قومی معرفی شده‌اند و علاوه بر این: اطلس مذهبی ایران بسیار پیچیده است. در ادبیات جغرافیای سیاسی اصطلاح ملت‌های بدون دولت در چهار دهه اخیر بکار رفته است که ایران به عنوان دولتی که ظاهر از نقطه نظر ناهمگنی زبانی در شمار ده کشور نخست دنیا شمرده شده و بارها در طول حیات سیاسی خود شاهد اوجگیری تنش‌هایی بافت قومی بوده است و اگر عوامل کلاسیک (سنتی) واگرایی با نابرابری‌های اقتصادی همراه شود توانمندترین نیروی گریز از مرکز پدید می‌آید (کریمی‌پور- محمدی ۱۳۸۸، ۲۲).

ایران و عراق دارای طولانی‌ترین مرز بین‌المللی مشترک به طول ۱۴۵۸ کیلومتر از ناحیه دالامپر داغ از نقطه‌ی مرزی مشترک ایران-ترکیه-عراق تا دهانه فاو مرز مشترک دارد. ایران در نواحی همجوار با کردستان - کرمانشاه و ایلام دارای خلاء ژئوپلیتیک است. به طوری که منطقه‌ی همجوار با استان کرمانشاه به «دالان امنیتی ایران» نامگذاری شده است. اهمیت این خط مرزی نه تنها در ابعاد بلکه به دلیل تعیین جلگه میان بین‌النهرین و فلات ایران و به

عبارتی مرز میان ایران و جهان عرب است که خود مبنای تحولات فرهنگی - هویتی مذهبی و اقتصادی در طول تاریخ بوده است (برزگر ۱۱۶:۸۵).

بنابراین مرزهای غربی ایران از ۵ ویژگی ژئوپلیتیکی برخوردارند که عبارتست از:

- ۱- دروازه‌ی ارتباط ایران با کشورهای غربی و جهان غرب بوده‌اند که با توزیع و تقسیم نقشه‌ی جهانی بعد از جنگ جهانی دوم و تثبیت شدن مرزها، این معبرها محل مناقشات مرزی کشورهای همجوار شدند.
 - ۲- موقعیت ژئواستراتژیک منطقه‌ی غرب ایران که به دلیل هم‌جواری با بحرانی‌ترین کانون خاورمیانه از موقعیتی ژئواستراتژیک برخوردار است. اسرائیل به مثابه عاملی برای تأمین منافع غرب از اتحاد و یکپارچگی اعراب در منطقه خاورمیانه جلوگیری کرده و در نظارت برآبراههای اصلی آسیا به غرب یاری رسانده است.
 - ۳- اروند در یک دوره‌ی تاریخی، به دلیل استقرار شرکت‌های نفتی انگلیس در عراق و خوزستان برای استفاده و بهره‌داری از معادن غنی نفت این منطقه موضوع مناقشه به لحاظ تأمین منافع انگلیس به راه افتاد.
 - ۴- ترکیب قومی جهت ساکن درغرب است که یکی از متنوع‌ترین ترکیب‌های جمعیتی در مرزهای ایران است. تمام اقوام ساکن در این منطقه توزیعی میان مرزی دارند (عزتی ص ۱۰۱-۱۰۰، ۱۳۸۸).
- بنابراین میزان سنجش تأثیر ژئوپلیتیکی فرهنگی اقوام در تهدید امنیت ملی ایران ضروری است (عزتی-۱۳۸۸-۷۰). تضادهای هویتی را می‌توان در زمره موضوعات پایان‌ناپذیر ایران و کشورهای خلیج فارس دانست (Taylor-2003:8-99).

با سرنگونی رژیم صدام و بروز تحولات جدید برای اولین بار اشتراکات و زمینه‌های فرصت‌سازی در کنار چالش‌هایی چون ماهیت سه‌گانه هویت و جمعیت در عراق و حضور شهروندان در بخش‌های مستقل و جدا با منافع و رویکردها متفاوت و گاه متضاد که عراق را از منظر ژئوپلیتیکی به کشوری عجیب تبدیل کرده است علاوه بر ایجاد چالشی در حوزه تفکر سیاستمداران ایرانی، معیاری برای برقراری و تحکیم روابط تهران - بغداد شده است. روابط ایران و عراق تحت تأثیر چند مولفه قرار دارد:

- ۱- مشترکات فرهنگی و دینی و وجود یک رابطه کهن تاریخی ۲- وجود منافع مشترک میان دو ملت ۳- ظرفیت‌های ممتاز همکاری شامل مرزهای مشترک طولانی در مقایسه با همسایگان دیگر، وجود شش‌گذرگاه مرزی و دوازده بازارچه مرزی-وجود اماکن مقدسه - توریستی و سیاسی.

در این اثنا کردستان عراق از برندگان اصلی تحولات عراق است. که سپس از سقوط صدام مسئله‌ی امنیت ملی کردستان عراق در چارچوب امنیت ملی عراق و از طریق حکومت مرکزی دنبال می‌شود. بنابراین چون کردها مسئله‌ای به نام امنیت ملی در حال حاضر ندارند یا کمتر دارند تمامی انرژی‌شان صرف مسایل داخلی نظام سیاسی رفاه اجتماعی - امنیت سیاسی و ثروت اقتصادی در چارچوب قواعد نوین عراق جدید برای کردها در کردستان قابل دستیابی باشد (تیشه یار ۱۳۸۴-۱۳۷)، کردها تا زمانی که نتوانند در پروسه پیشرفت و توسعه از لحاظ اجتماعی و سیاسی به جایی برسند همچنان درگیر مسایل داخلی خود خواهند بود بنابراین طی سال‌های آینده کردستان عراق تهدیدی برای ایران از لحاظ مسئله‌ی استقلال نخواهد بود. اما برقراری برخی ارتباطات پنهانی و آشکار با رژیم

صهیونیستی و حضور آمریکا در منطقه بر نگرانی‌های امنیتی ایران در منطقه افزوده است که ایران در محاسبات امنیتی خود نسبت به عوامل مداخله گر نمی‌تواند در جوار مرزهای خود بی تفاوت باشد.

از بُعد دیگری تقویت موقعیت کردها می‌تواند چند تهدید عمده را برای ایران به همراه داشته باشد: افزایش نفوذ اسرائیل در این مناطق است زیرا اغلب کردها معتقدند که مسئله فلسطین مسئله داخلی عرب‌هاست نه کردها، موضوع دوم: تشدید جریانات قومیت‌گرا و تبدیل آن به یک تهدید داخلی بالقوه است که هر از گاهی می‌تواند خود را نشان دهد. نتیجه این امر تبدیل مطالبات اقتصادی اکراد به ایران به مطالبات سیاسی نظیر فدرالیسم و نظایر آن است. به طوری که در میان مدت مسئله کردها می‌تواند مسئله قومیت‌گرایی را در ایران تقویت کند.

چالش‌ها	فرصت‌ها
نا امنی و بی ثباتی	افزایش نقش ایران
تجزیه ارضی	حضور اقتصادی
جنگ داخلی	حضور فرهنگی (ژئوپلیتیک شیعه)
رقابت‌های قومی - مذهبی	تعریف جدید از ترتیبات امنیتی منطقه
رقابت‌های سیاسی	روابط با جهان عرب
رقابت‌های بالقوه منطقه‌ای	حل معضلات استراتژیک با قدرت‌های بزرگ
خطر حضور بیگانگان	

حال اگر با دیدگاهی واقع‌گرایانه عراق نوین را به عنوان یک واقعیت پایدار در صحنه‌ی بین‌المللی با توجه به مجموعه ویژگی‌های پایدار قومی - فرهنگی - سیاسی « با تغییر در ساختار قدرت و ایجاد نوعی از فدرالیسم به عنوان اولین تجربه در خاورمیانه و اثرگذار بر منافع ملی ایران بپذیریم و اگر به نقش ویژه‌ی مرزها به عنوان نواز مبادلاتی عمل همگون یا ناهمگون ساز و به عنوان خط نخستین دریافت تهدیدهای گوناگون نمونه و الگوی استراتژیک بودن بدانیم (کریمی‌پور-۱۳۸۸-۶۲) و از سویی به پروسه‌ی جهانی شدن و فشردگی زمان و مکان و قلمروزدایی ناشی از آن و به عبارتی به مرگ فاصله‌ها را بپذیرا باشیم (<http://www.bashgah.net/pages.178>) و توجه به نقش ایران به عنوان موثرترین بازیگر منطقه در عراق ایران باید به تدوین « دستورکار ژئوپلیتیکی» در قبال عراق که رژیم‌ی تلفیقی از رویکردهای امنیتی و فرهنگی را شامل می‌شود چرا که از این پس قاعده بازی در عراق سیاسی - اقتصادی - فرهنگی خواهد بود و با پرهیز از بازی‌های نظامی - امنیتی هم بتواند جوابگوی مشکلات منطقه‌ای باشند و هم به نحو مطلوب برآورنده‌ی حفظ منافع و امنیت ملی را فراهم آورد. لذا دستگاه دیپلماسی کشور نقش اساسی را در کمک به اقتدار ملی، افزایش فرصت‌ها و کاهش تهدیدات و تحکیم و توسعه روابط میان دو کشور خواهد داشت چرا که یکی از فعال‌ترین بخش‌های دستگاه دیپلماسی ایران تمرکز بر کشور عراق خواهد بود.

پیشنهادات و ارائه راهکار

با در نظر گرفتن، مولفه‌های موثر در تعیین سیاست خارجی کشور که در دو دسته عوامل ثابت و متغییر در حوزه داخلی و خارجی تقسیم می‌شود (تیشه‌یار، ۱۳۸۴: ۱۱) موقعیت خاص جغرافیایی ایران، وسعت و اندازه بزرگ، پیشینه تاریخی و فرهنگی، قرار گرفتن در مرکز جهان اسلام در نقشه جهان، تعداد همسایگان، وجود ذخایر فراوان و غنی. ظرفیت‌های انسانی، ویژگی‌های قدرت و سیاست و نوع حکومت، ایدئولوژی و تنوع قومی - فرهنگی - مذهبی، حاکم بر سیاستگذاران از جمله عواملی هستند که می‌تواند امنیت ایران را به مخاطره بیندازد چنانچه بنا به اعتقاد گراهام فولر «ژئوپلیتیک ایران باعث شده تا از آن به عنوان قله عالم» یاد کند (فولر ۱۳۷۳: ۴۸) و با این تفاسیر بنا به اعتقاد دانشمندانی چون مکیندر و هاشوفر «وضع جغرافیایی در واقع تمام سیاست خارجی» یک کشور را تعیین می‌کند.

لذا با تغییر در معادلات سیاسی در داخل عراق مسایل ژئوپلیتیکی میان دو کشور نیز نیاز به بازخوانی و بازتعریف شدن دارند (تیشه‌یار ۱۳۸۴: ۱۲) پس با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر ایران که در متن تحولات جهانی قرار می‌گیرد ایران در راستای تأمین توسعه - رفاه - امنیت و ارتقاء منزلت بین‌المللی و با تحلیل این عوامل به هم پیوسته باید بتواند با اتخاذ تعامل سازنده و موثر در سیاست خارجی خود حداکثر فرصت را فراهم آورد و هر تهدید ناشی از تغییر ژئوپلیتیک پیرامون خود را به حداقل برساند و از فرصت‌های فراچنگ آمده در مرزهای غربی خود در ارتباط با مولفه‌های ژئوپلیتیکی نوین عراق برای منافع ملی خود اقدام کند (فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی - ده‌شمار ۱۳۸۸: ۱۲).

جمهوری اسلامی ایران دارای منافع ملموس و جاری در عراق جدید است و تنها در شرایط وجود یک کشور با ثبات است که زمینه‌های بالقوه فرصت‌سازی در حوزه سیاست خارجی ایران فراهم می‌شود نگاه ایران به عراق جدید پیش از آنکه زمینه‌های بروز چالش برای منافع ملی ایران باشد. زمینه‌های فراهم آوردن فرصت‌هاست (برزگر آذر ۱۳۸۵: ۱۷۷).

با توجه به اشتراکات قومی و مذهبی - تاریخی و اقتصادی به نظر می‌رسد که روند همگرایی با شتاب مناسب طی شود و با ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی در آینده که همگونی فرهنگی و ایدئولوژیک کاتالیزور آن است از زمینه‌های همگرایی بین دو کشور محسوب می‌شود.

رشد فن آوری در تولید، تسهیل امور حمل و نقل و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در جهان امروز و تولید انبوه و صدور کالا و خدمات را به مهمترین ابزار توسعه تبدیل کرده است، فروپاشی صدام و تشکیل دولت جدید در عراق که با مدیریت کلان کردها و شیعه‌های عراق که ارتباط نزدیک فرهنگی - سیاسی با ایران دارند فرصت مناسبی برای توسعه روابط اقتصادی بویژه صدور کالاهای ایرانی به این کشور را فراهم کرده است (aftab: ۸ آبان ۱۳۸۴).

کردستان عراق ۷٪ بودجه ملی عراق را به خود اختصاص داده است و با احتساب در آمد ناشی از گمرکات مرزی ابراهیم خلیل و باشماق و میروان به این نکته می‌رسیم که کردستان عراق فرصت مناسبی برای فعالیت و سرمایه‌گذاری ایرانیان است. و با توجه به امنیت نسبی در شمال عراق حجم صادرات ایران به عراق به ۳ میلیارد دلار

می‌رسد که از این مقدار دو میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار آن به کردستان عراق صادر شده و این امر، فضای کار را برای بازرگانان ایرانی فراهم کرده است.

توجه به خلاءهای ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک حاکم بر نقاط مرزی ایران و عراق لزوم سیاستگذاری صحیح و بهره‌مندی از عوامل مشترک اقتصادی میان دو کشور مانند همکاری در زمینه تولید و صادرات خرما در مناطق مرزی شلمچه و خرمشهر و دشت هورالعظیم، کاستن خلاء ژئوپلیتیک قومی و مذهبی، اقدام به پرورش آبزیان در رودخانه و آبگیرهای مشترک میان دو کشور، بررسی راهکارهایی جهت بهره‌برداری افزونتر عراق از خلیج فارس در قبال پرداخت حق ترانزیت و هزینه‌های خاص آن، بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت اروندرود و توان‌های مطلوب استان خوزستان، ایجاد بازراچه‌های مرزی و ایجاد اشتغال جهت ساکنین بومی و مرزنشینان و حمایت از صنایع دستی و کوچک، اعتماد سازی و اهتمام دو کشور در کاستن تنش‌های مرزی، همکاری‌های آموزشی - فرهنگی با توجه به اشتراکات میان ملت‌های ایران و عراق (مجله همشهری - دفاع مقدس ۱۳۸۶).

زمین حاصلخیز کشاورزی و جاذبه‌های گردشگری سلیمانیه از مزیت‌هاییست که جهاد کشاورزی و میراث فرهنگی برای توسعه این دو بخش می‌تواند نقش مهمی داشته باشند (خبرگزاری جمهوری اسلامی - ایرنا - دوشنبه ۱۳۸۸ - ۱۱ خرداد) و برای کاستن از قومیت گرایی در میان کردهای ایران تلاش شود تا مطالبات و برخی از خواست‌های کردها نظیر: توسعه زیرساخت‌های اقتصادی از طریق استقرار صنایع پایین دستی، انتخاب مدیران بومی، از بین بردن زمینه‌های واگرایی، تقویت زیر ساخت‌های فرهنگی و محرومیت‌زدایی، صورت گیرد. بطور کلی جهت چیرگی بر چالش‌های موجود در ایران را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱- برقراری روابط راهبردی با دولت عراق و رابطه‌ی مناسب با تمام گروه‌های سهم در قدرت و سیاست.
 ۲- ایجاد فضای مناسب و با ثبات با حس اعتمادسازی از طریق خارج نمودن منطقه از بن‌بست‌های ارتباطی، تقویت و گسترش گردشگری و مرتبط نمودن فضاهای فعالیت اداری - اقتصادی.

۳- تقویت زیرساخت‌های فرهنگی

۴- پیشبرد طرح‌های توسعه‌ای در مناطق محروم و مرزی در ابعاد مختلف جهت از بین بردن ظرفیت‌های واگرایی حال با توجه به مطالب فوق می‌توان چنین استنباط نمود که در ایران با توسعه اقتصادی مناطق کردنشین به علت تجانس بالای کردها با فرهنگ و تمدن ایرانی، تأثیرات خودگردانی شمال عراق بر مناطق کردنشین قابل رویت است (محمدی - خالدی ۱۳۸۹: ۱۲۳).

نتیجه‌گیری

این پژوهش تلاش بود برای یافتن پاسخ مناسب به این پرسش که آیا فدرالیسم عراق برای امنیت ملی ایران تهدید است یا فرصت؟ که نخست پاسخ خود را در قالب یک فرضیه چنین بیان کردیم که پدیده فدرالیسم عراق در صورت اتخاذ سیاست خارجی کارآمد از سوی ایران می‌تواند عراق را از یک دشمن تهدید آمیز دیرینه به یک دوست استراتژیک تبدیل کند و سپس با محور قراردادن این فرضیه، پژوهش را در قالب ۳ بخش سازمان دادیم و کوشیدیم برای اثبات فرضیه رابطه‌ی دو متغیر را نشان دهیم.

در بخش نخست: ضمن بررسی موقعیت و ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور عراق به روند و سیر تحولات و چگونگی تغییر ساختار سیاسی در عراق پرداخته شد.

در بخش دوم: از فدرالیسم به عنوان متغیر مستقل سخن گفتیم که چگونه این پدیده حس استقلال طلبی گروههای قومی - مذهبی را تعدیل نماید. و این فرآیند را که متناسب با ساختار پلورالیستی جوامع معاصر می باشد وحدت سرزمینی را در قالب گستره‌ی جهانی فراهم می‌سازد. این پدیده اقوامی را که این گونه خود را با شرایط جدید وفق می‌دهند و با فرهنگ‌ها و هویت‌های دیگر تعامل برقرار می‌کنند و در عین حال که نباید به دام حس واگرایی بیفتند بلکه با شناخت از وحدت سرزمینی و تأمین منافع ملی در راه توسعه و پیشرفت مناطق برآیند. به طوری که به لحاظ قومی و فرهنگی هم در جهان زندگی می‌کنند و هم در محل و در بخش سوم: به بررسی امنیت ملی ایران به عنوان متغیر وابسته و از آن به عنوان ضرورت در ساختار امنیتی کشور سخن گفتیم و به ارائه راهکارها و پیشنهادهای در راستای جغرافیای صلح پرداختیم.

که راهبرد سیاست خارجی ایران در عراق جدید را در وهله اول مبتنی بر پیگیری سیاست‌های ثبات‌سازی - حفظ ماهیت ارضی و کارکردن با تمامی گروهها و هویت‌های قومی و سیاسی در عراق قرار دادیم (برزگر - آذرگر - ۸۵-۱۱۶). و در سطح ملی نیز با تمرکز زدایی و محرومیت زدایی در مناطق مرزی و همجوار با کشور عراق و به عبارتی مناطق بحران در صدد حفظ امنیت ملی و منافع ملی برآئیم به طوری که چنانچه جامعه در سطحی دور از فرهنگ مدنی باشد بطور انفعالی نسبت به هموعان ناهم شکل خود واکنش واگرایانه نشان می‌دهد. اما چنانچه فرهنگ مدنی پا گرفته باشد نوعی تکثرگرایی اجتماعی ایجاد و انسان درمی‌یابد که باید تحریک روان‌شناختی فوق ربا فرهنگ مدنی مهار کند و در چنین صورتی است که واگرایی به همگرایی تبدیل می‌شود.

منابع:

۱. آسایش طالب‌طوسی، محمد کاظم: امریکا و عراق پس از ۱۱ سپتامبر، مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه
۲. احدی، محمد (۱۳۸۷): جغرافیای امنیتی کشورهای همجوار، تهران - مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.
۳. ازقندی، علیرضا (۱۳۸۳): سازنده گرایی، چارچوبی تئوریک برای فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سال اول، شماره ۱۰، دانشنامه حقوق و سیاست.
۴. اطاعت، جواد (بهمن و اسفند ۱۳۸۵): ماهیت دولت در ایران، شماره ۵۶ اطلاعات سیاسی - اقتصادی
۵. امجد، محمد (۱۳۸۵): بررسی علل حمله به عراق از منظر سطح تحلیل، خرد، شماره ۵، دانشنامه حقوق و سیاست.
۶. ایرانی، عارف (۱۳۸۸/۶/۸): ترجمه: «نیاز به طراحی استراتژی‌های چند جانبه» روزنامه رسالت.
۷. ایروانی، امیر اسعد (۱۳۸۸): عملیات امریکا در عراق و تأثیر آن بر ایران، سال اول - شماره ۲، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی.

۸. ایروانی، امیراسعد: « بررسی دیدگاه‌های داخلی و خارجی نسبت به حضور ارتش آمریکا در عراق » مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تحولات در عراق و چشم‌انداز امنیت منطقه‌ای، پژوهشکده مطالعات استراتژیک، گروه پژوهش‌های سیاست خارجی.
۹. برزگر، کیهان (۱۳۸۳): ایران و عراق جدید، چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو، سال اول، شماره ۱۰، دانشنامه حقوق و سیاست.
۱۰. برزگر، کیهان (۱۳۸۵): سیاست خارجی ایران در عراق جدید، مرکز تحقیقات استراتژیک ص ۸۵، ۷۷، ۱۷۷.
۱۱. برژینسکی، زیگینو (۱۳۸۵): لزوم رویکرد جدید آمریکا در قبال ایران، ترجمه: مجتبی امیری وحید، اطلاعات بین‌المللی.
۱۲. بیگدلی، علی (۱۳۶۸): تاریخ سیاسی- اقتصادی، عراق، موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
۱۳. پورسعید، فرزاد (۱۳۸۲): عراق جدید و تهدید منزلت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، سال ششم، شماره دوم، فصلنامه مطالعات راهبردی.
۱۴. تیشه‌پار، ماندانا و ابوطالبی، سیده‌فاطمه (۱۳۸۴): بررسی نقش جغرافیایی سیاسی عراق در روابط با همسایگان، ناشر، مولفین ص ۱۱، ۱۳۷.
۱۵. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۱): کانون‌های بحران در خلیج فارس، سازمان انتشارات کیهان.
۱۶. حسینی، حسن (۱۳۸۷): طرح خاورمیانه بزرگتر (وسیع‌تر) امنیت مطلق از طریق سیطره مطلق، پژوهش چهاردهم، مجله: سیاست خارجی و قدرت‌های بزرگ و اصلاحات در خاورمیانه، پژوهشکده، تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش سیاست خارجی.
۱۷. خوبروی پاک، محمدرضا (۱۳۷۷): نقدی بر فدرالیسم، تهران، موسسه نشر و پژوهش شیراز ص ۲۳.
۱۸. داوود، دیوید مک، «تاریخ معاصر کرد» ترجمه: ابراهیم یونسی، انتشارات پانید.
۱۹. درایسدل، آلسدایر و بلیک، جرالداچ (۱۳۷۴): جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه: دره میرحیدر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۰. رنجبر، مقصود (۱۳۷۸): ملاحظاتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲۱. روشندل، جلیل (۱۳۷۴): امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران انتشارات سمت.
۲۲. روویچ، پُستل و میهالومسا، ادوارد: « استراتژی برای فردا ترجمه: فریبرز برزگر، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی.
۲۳. زاهدی موحد، محسن (۱۳۸۸): رویدادها و تحلیل، فصلنامه معاونت آموزش و پژوهش، مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه.
۲۴. سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۷۹): عراق ساختارها و فرآیند گرایش‌های سیاسی، ناشر: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی ص ۷۹۰.

۲۵. سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۹): همکاری منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران، سال دوم، شماره ۵، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی.
۲۶. عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۰): تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق - تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۷. عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۸): جغرافیای استراتژیک ایران انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ص ۷۵، ۷۰، ۱۰۱، ۱۰۰.
۲۸. فوکویاما - فرانسیس (۱۳۸۴) در آینده پسا انسانی‌ها» ترجمه: حبیب‌اله فقیهی نژاد، چاپ موسسه ایران.
۲۹. فودر، گراهام (۱۳۷۷): قبله‌عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه، عباس مخبر، تهران، نشر مرکز س ۴۸.
۳۰. کالینز، جان ام (۱۳۷۱): استراتژی بزرگ، کوروش بانیدر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ص ۴۱۴.
۳۱. کتاب خاورمیانه، ویژه تحولات عراق، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۳۲. کتابی، محمود و راستینه، احمد (۱۳۸۸): دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک نوین عراق، شماره سوم، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی.
۳۳. کرمانی، داوود (۱۳۸۶/۷/۲۴): تأثیر فدرالیسم عراق بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری فارس.
۳۴. کریمی پور یدالله و حمیدی، حمیدرضا (۱۳۸۸): ژئوپلیتیک ناحیه گرای و تقسیمات کشوری، نشر انتخاب ص ۶۲، ۲۲.
۳۵. کمپ، جعفری و هارکاو، رابرت (۱۳۸۳): جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، پیشینه، مفاهیم و مسایل، ترجمه: سید مهدی حسینی متین پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۶. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱): جهانی شدن - فرهنگ - هویت نشر نی.
۳۷. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰): امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس، جغرافیای سیاسی دریایی، ترجمه: امیر مسعود اجتهادی، تهران - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۸. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰): کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه و تنظیم: حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۹. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۴): دمکراسی و هویت ایرانی، شماره ۵۶، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ص ۲۲۲ - ۲۲۰.
۴۰. مجموعه مقالات، همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران (۱۳۸۱): هم اندیشی پژوهشگران و نظریه‌پردازان کشور، ناشر: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۴۱. محمدی، منوچهر، مجله معرفت، شماره ۶۸.
۴۲. محمدی، حمیدرضا و خالدی، حسین و سلیم‌نژاد، ندیمه (۱۳۸۹): خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حرکت‌های قوم‌گرایانه پیرامونی، سال ششم، شماره اول، فصلنامه ژئوپلیتیک ص ۱۲۳.
۴۳. نصیری، قدیر (۱۳۸۶): آینده کردستان عراق، سال دهم، شماره چهارم، فصلنامه مطالعات راهبردی.
۴۴. نوام، چامسکی، آیا دولتی مستقل در عراق تشکیل خواهد شد؟ شماره ۴۰، ماهنامه سیاست غرب.

۴۵. واعظی، محمود، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تحولات عراق در چشم‌انداز امنیت منطقه‌ای، پژوهشکده مطالعات استراتژیک، گروه پژوهش سیاست خارجی.

۴۶. ولی‌پورزرومی، سید حسین (۱۳۸۳): گفتمان‌های امنیت ملی در ج ۱۰۱، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

47. Dusan, sidjanski, fe'de'ralism, (1994): in, Dictionnaire du fe'de'ralisme, Bruylant, Bruxelles.

48. Encycloped. Disills. David, (1968):

49. G. scelle, cours de Droit International Public

50. Scott weiner, (2009): Provincial Election Fact sheet, Institute for study of war, January 25

51. Taylor, (2003): 98. 99

52. Gireg Bruno, (2009): Iraq's Political Landscape, www.CFR.org, www.globalsecurity.org / military/Facility-intro.htm

53. Newway forward in Iraq, (January10, 2007): www.whitehouse.gov/news/release/Iraq

54. <http://www.bashgah.net/pages-178>

55. <http://www.howzah.net> گفتگو با سید جلال دهقانی

56. <http://www.aftab.ir> ۴ آبان ۱۳۸۹، ۸ آبان ۱۳۸۴

57. www.mediva.net

58. سایت زرگازی

59. سایت بازتاب

60. <http://kurdistantv.com> 2008/2/3

61. <http://mosharekat.wahdat.net/index.php?id=30080>

62. www.dowlingstreetmemo.com فرضیه پردازی انگلیس در مورد آینده عراق در تابستان ۲۰۰۲

۶۳. سایت سازمان توسعه تجارت ایران

64. Politico.blogfa.com

65. www.iran-archiv.com

66. www.iran.embassy.org

67. www.farsnews.com

68. <http://www.edalatkhahi.ir>

69. <http://www.toloufajr.com>

70. www.hamshahri.org

71. www.alborznews.net

72. <http://www.negaresh.de/didgah/lot-Iraq.htm>



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی